نگاه بیرون

دردسر نتانیاهو برای اوباما

ترجمه: نوژن اعتضادالسلطنه

• بحث درباره تحریم‌ها علیه ایران در هفته‌های پیش‌رو داغ‌تر خواهد شد چنانچه «جان بینر»، رییس اقلیت مجلس نمایندگان از «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم اسراییل به‌طور رسمی دعوت کرده تا پیش از برگزاری نشست مشترک کنگره سخنرانی‌ای را در آن محل ایراد کند. نتانیاهو احتمالا همان هیاهو و شیپورزنی‌هایی را که در سخنرانی خود پیش از برگزاری نشست مجمع‌عمومی سازمان‌ملل‌متحد به صدا درآورده بود، این‌بار نیز تکرار خواهد کرد. او در سخنرانی سال۲۰۱۱ خود در کنگره نیز همین خط‌مشی را دنبال کرد. تنها تفاوت سخنرانی پیش‌رو شاید تاکید بیشتر او بر ضرورت توجه غرب به این موضوع باشد که تا دیر نشده و ایران به سلاح هسته‌ای مورد ادعای او دست نیافته، باید کاری کرد. پیش‌تر اما کاخ‌سفید با رفتاری که از خود نشان می‌داد موافقتش با اظهارات نخست‌وزیر رژیم اسراییل را نشان داده بود. با این حال، اینک آقای اوباما تصمیم گرفته تا در زمان سخنرانی رهبر رژیم اسراییل در ماه مارس حاضر نشود و سخنان او را گوش نکند. تلخی روابط میان این دو رهبر سیاسی هرروز بیش از گذشته در حال افزایش است. زمانی که مساله به ایران و تهدیدات نهفته در بستر منطقه خاورمیانه می‌رسد، دو رهبر نه‌تنها خوانشی متفاوت از نت‌های مشابه دارند بلکه به‌طور کلی موسیقی کاملا متفاوتی از یکدیگر را می‌نوازند.

فقدان هماهنگی میان آنان در اظهارات اخیر پرزیدنت اوباما نیز مشخص بود. اگر کسی به دقت به اظهارات او توجه کرده باشد نمی‌تواند به‌گونه‌ای اشتباه اینگونه برداشت کند که از نظر رییس‌جمهوری آمریکا مذاکرات اخیر با ایران کاملا مفید بوده و احتمالا به یک توافق خواهد انجامید. تنها مانع در این مسیر فشار کنگره آمریکا برای تصویب تحریم‌های تازه علیه ایران است. در صورتی که مذاکرات شکست بخورد، کاخ‌سفید انگشت اتهام را به‌سوی کنگره و رژیم اسراییل خواهد گرفت و آنان را به‌دلیل طرح موضوع تشدید تحریم‌ها علیه ایران مقصر عدم حصول توافق هسته‌ای خواهد دانست.

حملات اخیر صورت‌گرفته در پاریس از سوی عناصر داعش و القاعده، تمرکز افکار عمومی بین‌المللی را به خود جلب کرده است. آقای اوباما نیز داعش را مشکل اصلی خاورمیانه می‌داند. او پیش‌تر مدعی شده بود که نیروهای القاعده تلفات زیادی داده‌اند. در نتیجه این وضعیت موضوع اهداف هسته‌ای ایران در اولویت‌های بعدی فهرست مسایل مهم قرار گرفته است و شاید همین موضوع فرصتی مناسب برای سیاست خارجی اوباما بوده است.

در چنین شرایطی که به باتلاق شباهت دارد، رهبر رژیم اسراییل قصد دارد به واشنگتن بیاید. این موضوع نشان می‌دهد که چرا او سازی مخالف در مقابل اوباما می‌زند. نتانیاهو ایران و تلاش‌های هسته‌ای و موشکی این کشور را تهدیدی به‌مراتب بزرگ‌تر در مقایسه با داعش، القاعده و جبهه النصره یا دیگر گروه‌های افراطی سلفی می‌داند. به نظر می‌رسد دولت اوباما مایل به توافق با ایران است، توافقی که ایران را از مسیر دستیابی به سلاح هسته‌ای دور کند. این سناریو، اسراییلی‌ها و اکثر رهبران کشورهای عربی را بی‌خواب کرده است. آنان از این موضوع می‌هراسند که پرزیدنت اوباما توافق هسته‌ای با ایران را جشن بگیرد بدون آنکه راهی برای اقناع رژیم اسراییل و اکثر کشورهای میانه‌روی سنی عربی درباره دغدغه‌های امنیتی‌شان یافته باشد.

اکنون نتانیاهو باید با احتیاط گام بردارد. باوجود آنکه او علاقه‌مند به ارایه سخنرانی بی‌پرده است با این حال، باید هزینه‌ها و نفع احتمالی ناشی از این اقدام را در نظر بگیرد. از نظر تاریخی، ایراد سخنرانی توسط رهبری اسراییلی در نشست مشترک کنگره یک افتخار و فرصت برای تایید دوباره این موضوع است که آمریکا و رژیم اسراییل ارزش‌هایی مشترک دارند و دارای روابط قوی فیمابین هستند. در فاصله دوره شکوفایی گفت‌وگوهای صلح میان فلسطینیان و رژیم اسراییل در دهه۹۰ میلادی، «اسحاق رابین»، «شیمون پرز» و «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیران پیشین رژیم اسراییل در سال‌های ۱۹۹۴، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ در کنگره به ایراد سخنرانی پرداخته بودند. نتانیاهو نیز بار دیگر در سال۲۰۱۱ به آمریکا رفت و به بیان نظراتش درباره برنامه هسته‌ای ایران از نگاه رژیم اسراییل پرداخت.

اکنون چندصدایی میان رهبران آمریکا و رژیم اسراییل به میزانی هست که سومین حضور «نتانیاهو» در کنگره باعث افزایش شکاف استراتژیک میان او با آمریکا شود. نشانه‌های چنددستگی را در عرصه سیاست داخلی و خارجی آمریکا و رژیم اسراییل نیز می‌توان مشاهده کرد. به نظر می‌رسد شکاف‌های فیمابین به‌قدری است که به این زودی‌ها پر نخواهند شد.

گفت‌وگوی نشریه فارن‌افرز با بشار اسد:

بحران سوریه در مذاکرات هسته‌ای ایران جایی ندارد

رییس‌جمهور سوریه در گفت‌وگویی تفصیلی با مجله آمریکایی «فارین‌افرز» گفته است که ایران کشوری مهم در خاورمیانه است و پیش از ایجاد بحران در سوریه نیز جایگاه سیاسی و نفوذ زیادی در سوریه داشته است. او در این مصاحبه گفته که ایران با سوریه هماهنگی کامل دارد. در بخش دیگری از این گفت‌وگو، بشار اسد در مورد همکاری بیشتر با آمریکا گفته است که ما بیشتر از ۳۰ سال پیش خواستار همکاری بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم شده بودیم، اما این همکاری نیاز به اراده دارد. سوال این است که آیا آمریکا اراده مبارزه با تروریسم را واقعا دارد، با وجود حملات انجام‌شده بر ضد داعش در شمال سوریه تاکنون تاثیر ملموسی در این زمینه ندیده‌ایم. حملات هوایی نیز تنها عملیاتی صوری بود و واقعی نبود. با آغاز این حملات، داعش بر بخش‌های بیشتری از اراضی سوریه و عراق تسلط پیدا کرد. بخش‌هایی از این گفت‌وگو را با ترجمه سایت «کوهرنگ‌خبر» در ادامه می‌خوانید.

آیا شما نگران نفوذ ایران در کشورتان نیستید؟

ایران کشوری مهم در منطقه است و قبل از بحران نیز نفوذ داشت و در نتیجه، نفوذ این کشور به بحران مربوط نیست بلکه به موضع و جایگاه سیاسی این کشور مربوط است. عوامل مختلفی یک کشور را بانفوذ می‌کند. در خاورمیانه و منطقه ما، همان ایدئولوژی و همان قبایل ترددکننده در مرزها و بسیاری چیزهای مشابه وجود دارد، در نتیجه، این عوامل همگی از مرزها عبور می‌کنند. اگر کشوری بر یکی از این عوامل نفوذ داشته باشد؛ در این صورت نفوذ این کشور از مرزها عبور خواهد کرد... البته وقتی درگیری وجود دارد و هرج‌ومرج حاکم می‌شود، کشور دیگری نفوذ بیشتری در کشور شما کسب خواهد کرد... و وقتی اراده‌ای برای محافظت از حاکمیت کشورها وجود دارد، این امر روی خواهد داد. در پاسخ به سوال شما باید بگویم که ایران هیچ‌گونه طمع و چشمداشتی به سوریه ندارد و ما اجازه نداده‌ایم که هیچ کشوری در سوریه نفوذ داشته باشد. ما اجازه همکاری می‌دهیم. اگر می‌خواستیم به کشور دیگری اجازه دهیم تا نفوذ خودش را در کشورمان اعمال کند، به آمریکا اجازه این‌کار را می‌دادیم. این همان مشکل آمریکا و غرب به‌طور کلی است. بنابراین ما آن را نمی‌پذیریم. ایرانی‌ها نیز از طرف خود تمایلی به آن ندارند.

یعنی همه آنچه ایران در سوریه انجام می‌دهد...

با همکاری کامل با دولت سوریه است. همواره اینگونه بوده است.

اسراییلی‌ها هربار می‌گویند که برای جلوگیری از انتقال تسلیحات حزب‌الله از ایران از مسیر سوریه، به خاک سوریه حمله می‌کنند.

آنها به مواضع ارتش سوریه حمله کردند، چه ارتباطی بین حزب‌الله و مواضع ارتش سوریه وجود دارد؟ هرگاه ما در منطقه‌ای پیشروی کردیم، اسراییلی‌ها برای تاثیرگذاری بر اقدامات ارتش سوریه، حمله‌ای را ترتیب دادند. این کاملا آشکار است. به همین علت برخی از مردم سوریه با تمسخر می‌گویند: چطور گفته می‌شود القاعده نیروی هوایی ندارد، آنها درواقع نیروی هوایی دارند که همان نیروی هوایی اسراییل است.

در اثر کاهش قیمت نفت، جنگ سوریه را چطور ارزیابی می‌کنید، چرا که دونفر از مهم‌ترین هم‌پیمانان و حامیان شما یعنی ایران و روسیه به‌صورت گسترده بر قیمت نفت تکیه دارند. شما نگران قدرت آنها برای ادامه کمک به خودتان نیستید؟

نه. آنها به ما پول نمی‌دهند، بنابراین این روند هیچ تاثیری در سوریه ندارد، حتی اگر بخواهند به ما کمک کنند، ما از آنها قرض می‌گیریم، مثل هر کشور دیگری؛ البته اگر نتوانیم خودمان اوضاع را پیش ببریم. در برخی شرایط خودمان هزینه‌ها را پرداخت می‌کنیم و در برخی شرایط قرض می‌گیریم.

اما حمایت‌های نظامی‌ای که از شما می‌کنند، هزینه‌بردار است، اگر آنها پول کافی برای حمایت از ارتش خود نداشته باشند، آیا برای شما مشکل‌ساز خواهد بود؟

نه، وقتی برای هر اسلحه‌ای که می‌خرید یا هر کالایی که تهیه می‌کنید پول می‌پردازید مشکلی نخواهد بود، بنابراین آنها نیز مشکلی در موضوع نخواهند داشت.

بنابراین شما می‌گویید تمام چیزهایی که از ایرانی‌ها و روس‌ها دریافت می‌کنید همچنان ادامه دارد؟

تاکنون تغییری ندیده‌ایم، اما در مورد تاثیراتی که ممکن است این اتفاق در این کشورها داشته باشد من نمی‌توانم پاسخ دهم.

در مورد حملات هوایی به کوبانی چه نظری دارید؟ آیا این حملات در توقف حمله داعش کارساز نبود؟

کوبانی یک شهر کوچک است که حدود ۵۰هزارنفر جمعیت دارد، آنها سه‌ماه یا بیشتر به این شهر حمله کردند، اما نتوانستند جنگ را به پایان ببرند، ولی در مناطق مشابه از نظر مساحت و تعداد ساکنان و از حیث وجود گروه‌های القاعده، ارتش سوریه در کمتر از سه‌هفته این مناطق را آزاد کرد. این نشان می‌دهد آنها در مبارزه با تروریسم جدی نیستند.

به اعتقاد شما آیا باید آمریکا بیشتر وارد مبارزه با داعش شود؟

موضوع ورود بیشتر از ناحیه نظامی مطرح نیست، چرا که مسایل تنها در این بعد خلاصه نمی‌شود، بلکه این ورود باید در ابعاد سیاسی باشد، این موضوع به میزان تمایل آمریکا برای تاثیرگذاری در ترکیه مرتبط است، چرا که وقتی داعش موفق شده در تمامی این مدت مقاومت کند به‌آن معناست که ترک‌ها کمک‌های مالی و تسلیحاتی خود را ادامه می‌دهند، آیا آمریکا هیچ فشاری بر ترکیه برای توقف حمایت از القاعده وارد کرده است؟ آنها این کار را نمی‌کنند.

نکته

باید آمریکا بر ترکیه، عربستان و قطر فشار وارد کند تا حمایت از گروه‌های مسلح را متوقف کنند

منظور شما از افزایش فشار آمریکا بر ترکیه چیست؟

باید بر ترکیه، عربستان و قطر فشار وارد کند تا حمایت از گروه‌های مسلح را متوقف کنند. موضوع دیگر همکاری حقوقی است. همکاری حقوقی با گرفتن اجازه از دولت ما برای این حملات آغاز می‌شود، اما آنها این کار را نکردند، بنابراین اقداماتی که انجام می‌دهند غیرقانونی است.

آیا شما آمادگی اتخاذ برخی اقدامات برای تسهیل همکاری با آمریکا را دارید؟

ما آمادگی همکاری با هر دولتی که برای مبارزه با تروریسم جدیت نشان دهد را داریم.

اقداماتی که شما می‌توانید انجام دهید تا به واشنگتن ثابت کنید که آمادگی همکاری را دارید، چیست؟

آنها باید ثابت کند که اراده مبارزه با تروریسم را دارند، ما به صورت عملی با تروریسم مبارزه می‌کنیم و نیازی به اثبات موضوع نداریم.

آمریکا درحال‌حاضر پنج‌هزار مبارز سوری را آموزش می‌دهد که مدعی است در ماه می آینده آنها را وارد سوریه می‌کند، ژنرال جان آلن تاکید کرده که این نیروها بر ضد دولت سوریه عمل نخواهند کرد، بلکه در مبارزه با داعش تمرکز خواهند داشت، وقتی نیروها وارد کشور شدند شما چه کار خواهید کرد؟ آیا اجازه ورود به آنها می‌دهید یا به آنها حمله می‌کنید؟

هر نیرویی که با همکاری ارتش سوریه عمل نکند، غیرقانونی است و باید با آن مبارزه کرد. این کاملا مشخص است.

حتی اگر این موضوع منجر به درگیری با آمریکا شود؟

هرطور که باشد... . بدون همکاری با نیروهای سوریه این نیروها غیرقانونی خواهند بود، این نیروها عروسک دست کشورهای دیگر هستند، بنابراین با آنها مانند هر گروه شبه‌نظامی غیرقانونی دیگری که بر ضد ارتش سوریه مبارزه می‌کنند، مقابله خواهد شد. البته اوباما گفته که این یک توهم است، حال چگونه توهم می‌تواند به واقعیت تبدیل شود؟

از آنجایی که برنامه‌های آموزشی گروه‌ها وجود دارد.

نمی‌توان افراط‌گرایی را به سمت اعتدال تغییر داد.

اثرات هم‌گرایی احتمالی و توافق بین ایران و آمریکا در مورد پرونده هسته‌ای بر سوریه چیست؟

هیچ. چرا که بحران سوریه هرگز بخشی از مذاکرات نبوده است. ایران همواره قراردادن این بحران به‌عنوان بخشی از مذاکرات را رد کرده و طبعا در این رابطه حق دارد، چراکه ارتباطی بین دو موضوع وجود ندارد.

اما بسیاری در آمریکا پیش‌بینی می‌کنند اگر توافق بین ایران و آمریکا صورت گیرد، همکاری بین دو کشور ساده‌تر خواهد شد و به همین علت برخی در مورد کاهش حمایت‌های ایران از سوریه برای راضی‌کردن دولت آمریکا سخن می‌گویند.

ما هیچ اطلاعات قاطعی در مورد مسایل شبیه این نداریم، بنابراین نمی‌توانم در مورد موضوعاتی که اطلاعی از آن ندارم سخن بگویم.

روزنه

افشاگر «سیا» محکوم شد

• **شرق:** متهم درز اطلاعات درباره برنامه هسته‌ای ایران، در دادگاه گناهکار شناخته شد؛ او «جفری‌استرلینگ» مامور سابق «سیا» بود که اطلاعات را به خبرنگار «نیویوک تایمز» داده بود؛ نه «جیمز رایزن» خبرنگار منتشرکننده آن اطلاعات.

پس از دوهفته، هیات منصفه دادگاهی در ویرجینیا این افسر سازمان‌سیا را در ۹ مورد از ۱۰ مورد اتهام، گناهکار شناخت. هیات منصفه هنوز درباره حکم «جفری استرلینگ» به توافق نرسیده است. قاضی دادگاه اعلام کرده که تا زمان اعلام حکم دادگاه، افسر افشاکننده به قید وثیقه آزاد است. حکم‌نهایی او قرار است تا ۲۴آوریل سال‌جاری میلادی (اردیبهشت۱۳۹۴) صادر شود. یک‌دستیار دادستان در بیانیه شروع این دادگاه گفته بود که «طمع‌کاری» و «دلخوری»، انگیزه «استرلینگ» از افشای اطلاعات بوده است. گفته می‌شود «استرلینگ» از «سیا» به‌دلیل تبعیض نژادی شکایت کرده بود.

«اریک هولدر» دادستان کل‌آمریکا تاکید کرد که «این یک‌نتیجه مناسب و عادلانه است.» او گفت: «افشای بدون مجوز اطلاعات طبقه‌بندی شده از سوی متهم، عملیاتی را که در دفاع از امنیت‌ملی آمریکا انجام شده، در معرض خطر قرار داده است.» دادستان آمریکا همچنین افشای این اطلاعات، را موجب درمعرض خطر قرارگرفتن زندگی برخی افراد دانسته است. درهمین‌حال «واشنگتن پست» روزنامه نزدیک به دولت آمریکا، گناهکار شناخته‌شدن «جفری استرلینگ» را پیروزی دولت و دادستانی آمریکا دانسته، آن هم پس از تلاش سخت دولت و دادستانی برای جلوگیری از درز اطلاعات از سوی افراد مطلع. «جفری‌استرلینگ»، مامور سابق «سیا» دی سال۱۳۸۹ (ژانویه۲۰۱۱) به اتهام افشای اطلاعاتی محرمانه درباره ایران بازداشت شد. او به مدت ۹سال، از سال۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲ در سازمان «سیا» مشغول به کار بود. او اطلاعات مربوط به عملیات «مرلین» را به «جیمز رایزن» خبرنگار نیویورک تایمز ارایه کرده بود. با درخواست «کاندولیزا رایس» مشاور امنیت‌ملی وقت آمریکا، در سال۲۰۰۳، این اطلاعات در روزنامه «نیویورک تایمز» منتشر نشد، اما سه‌سال بعد «رایزن» در کتابش با نام «دولت جنگ» اطلاعات مربوط‌به خرابکاری در برنامه هسته‌ای ایران از طریق عملیات «مرلین» را افشا کرد. این مطلب را «رایس» در جریان شهادت در دادگاه بیان کرد.

با صدور قطعنامه اعلام شد

۱۱سناتور علیه تحریم ایران

شرق: قطعنامه در جواب قطعنامه، بیانیه در جواب بیانیه. بالاخره سناتورهای دموکرات هم تکانی به خودشان دادند و قطعنامه‌ای برای مخالفت با تحریم‌های جدید علیه ایران ارایه کرده‌اند. البته آنها، این مخالفت را تا زمانی ادامه می‌دهند که مذاکرات به شکست کشیده نشود. مخالفت سناتورهای دموکرات با تحریم‌های جدید علیه ایران در حالی اهمیت پیدا می‌کند که گروه جمهوریخواه که اکثریت کنگره را در اختیار دارد به دنبال تصویب تحریم‌های جدید علیه تهران هستند. البته در آخرین اظهار نظر رابرت منندز به عنوان طراح اصلی تحریم‌های جدید گفته تا ۲۴ مارس برای رای‌گیری در مورد تحریم‌های جدید صبر می‌کنیم. واکنش دستگاه دیپلماسی آمریکا و به‌ویژه باراک اوباما، رییس‌جمهوری آمریکا به این تهدید جمهوری‌خواهان استفاده از ابزار «وتو» است. به گزارش «رویترز»، ۱۱ سناتور آمریکایی با ارایه قطعنامه‌ای، از مذاکرات هسته‌ای شش قدرت جهانی و ایران حمایت و در عین‌حال تهدید کردند که در صورت شکست مذاکرات، تحریم‌های جدیدی علیه تهران وضع خواهد شد. این قطعنامه از سوی ۱۰سناتور دموکرات و یک سناتور مستقل تهیه شده و در آن آمده که سنا آماده است تا در صورت شکست مذاکرات، تحریم‌های جدیدی علیه ایران تصویب کند. آنها حتی برای این کار، قطعنامه‌ای گام‌به‌گام تدوین کرده‌اند. ایران و کشورهای ۱+۵ در جریان مذاکره هسته‌ای تا پایان ژوئن ۲۰۱۵ (۱۰ تیرماه) فرصت دارند به توافق جامع دست پیدا کنند؛ توافقی که قصددارد با پذیرفتن برخی محدودیت‌ها در برنامه هسته‌ای ایران، اعتماد غرب را جلب کرده و در مقابل آن، همه تحریم‌ها علیه ایران را لغو کند. در معرفی این قطعنامه که جدیدترین کشمکش داخلی ایالات متحده آمریکاست، آمده: «این قطعنامه رویکردی متفاوت نسبت به طرح تحریم‌هاست که در کمیته بانکی سنا مطرح شده و آن طرح، تحریم‌های تازه علیه ایران را قانونی می‌کند، درحالی که مذاکرات در جریان است. همان‌طور که اوباما در جریان نطق سالانه وضعیت کشور گفت، تحریم‌های تازه توسط این کنگره و در این مقطع زمانی، تقریبا شکست دیپلماسی را تضمین می‌کند.»

تلاش برای توافق را تضعیف نکنید

سناتور دایان فاینشتاین، از تهیه‌کنندگان این قطعنامه در بیانیه‌ای اعلام کرد که «تصویب تحریم‌های تازه پیش از پایان زمان تعیین‌شده برای مذاکرات، می‌تواند تلاش‌های ما برای توافق با ایران را به شدت تضعیف کند.» در این قطعنامه تاکید شده که «اعمال هرگونه تحریم جدید علیه ایران باید تا زمانی که مذاکرات پایان نیافته، متوقف شود و سنا آماده است تا در صورت شکست این مذاکرات تحریم‌های بیشتری علیه تهران را مورد بررسی قرار دهد.» سناتور کریس مورفی، از دیگر طراحان نیز گفته که این قطعنامه «برای آنهایی که قطعنامه مطرح در کمیته بانکی سنا را مضر می‌دانند، گزینه‌ای در حمایت از دیپلماسی» فراهم می‌کند. مورفی هم در حمایت از سیاست اوباما گفته‌است که تصویب تحریم‌های جدید علیه ایران در جریان مذاکرات جاری هسته‌ای، تلاش‌ها برای رسیدن به توافق با تهران را «به‌شدت تضعیف» می‌کند. تام کارپر، مارتین هاینریش، جف مرکلی و... از دیگر دموکرات‌های حامی این قطعنامه هستند.

کمیته بانکی سنا در هفته جاری، طرحی را به رای می‌گذارد که بر اساس آن، در صورت به‌دست نیامدن توافقی میان ایران و ۱+۵، تا ۱۰ تیر ۱۳۹۴، تحریم‌ها علیه تهران تشدید خواهند شد. این طرح توسط سناتور جمهوری‌خواه، مارک کرک و سناتور دموکرات، رابرت منندز تهیه شده است. این در حالی است که واکنش اوباما و وزارت خارجه آمریکا به طرح‌های تحریمی جدید علیه تهران، وتو است. باراک اوباما، گفته که این طرح، مذاکرات هسته‌ای با ایران را به شکست می‌کشاند و در صورت تصویب در سنا، آن را وتو خواهد کرد. این قطعنامه مخالف تحریم تا زمانی‌که دیپلماسی مذاکراتی ادامه دارد، در شرایطی پیچیده دنبال می‌شود. اگرچه خبرهایی از نوشتن اصول توافق کلی مذاکرات بین ایران و آمریکا منتشر می‌شود اما هیچ‌کدام هنوز نتوانسته‌اند امید به دستیابی به توافق را ایجاد کنند. در حالی از امکان وتوی اوباما سخن گفته می‌شود که مشخص نیست این ابزار تا چه اندازه کارآمد باشد. در صورتی که تعداد امضاهای یک طرح در سنا به بیش از دو سوم تعداد کل نمایندگان برسد، دیگر رییس‌جمهور نخواهد توانست با وتو جلوی عملی‌شدن آن را بگیرد. به این ترتیب، در صورتی که ۶۷نفر از مجموع صدسناتور آمریکایی طرح تحریم‌های جدیدی را امضا کنند، دیگر کاری از دست اوباما ساخته نیست.